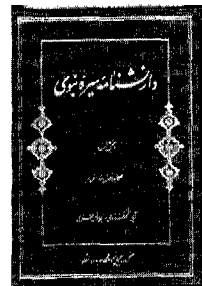


دانشنامه سیره نبوی

• سپنتا سبحانی^۱
دانشجوی دکتری تاریخ



• دانشنامه‌ی سیره‌ی نبوی، مجلد اول
• پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول: ۱۳۸۹، تعداد صفحات: ۵۸۷

جلد نخست «دانشنامه‌ی سیره‌ی نبوی» - که اختصاص به صحابه دارد - اتری است که در ۵۸۷ صفحه به تازگی از سوی گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در بهار ۱۳۸۹ منتشر شده است. طرح گسترده دانشنامه قرار است در پنج بخش منتشر شود: صحابه (۹ جلد، شامل ۱۲ هزار مدخل)؛ اماکن (۲ جلد)؛ قبیله‌ها، گروه‌ها، خاندان‌ها (۱ جلد)؛ مفاهیم (۱ جلد)؛ و ایام و حوادث (۲ جلد). مبنای طرح بر آن استوار بوده که تمامی داده‌های مرتبط به سیره‌ی نبوی، طبقه‌بندی و همراه با تحقیقات نوین و زیرمدخل‌هایی ارائه گردد. چنان که در پیش‌گفتار کتاب آمده، در سامان‌گیری طرح معیارهایی لحاظ شده است، از جمله اینکه مدخل‌ها پس از گزینش، براساس حروف الفبای فارسی تنظیم شده‌اند و از این رو، برخلاف برخی از منابع که کُتبه‌ها را جداگانه آورده‌اند، کُتبه‌ها به ترتیب حروف در حرف «ابو...» قرار گرفته‌اند. نیز، شرح حال زنان صحابی به بخش ویژه‌ی زنان ارجاع داده شده و در مجلد حاضر ذکری از آنان نرفته است. در نگارش مقاله یا مدخل سعی شده از ویژگی‌هایی کلی زیر پیروی شود: ۱. اهمیت بسیاری به اتقان متن، صحت و قوت مستندات و بهره‌گیری از منابع و مأخذ معتبر و متنوع داده شود. ۲. تا حد امکان از نقل قول مستقیم، به‌ویژه نقل قول بلند پرهیز شود. ۳. داده‌های هر مقاله، درباره‌ی موضوع جامع و مستقل و متمرکز باشد. ۴. از کاربرد مفاهیم و القاب مرتبط با ارزش‌گذاری اجتناب شود. اما ویژگی‌های خاصی که برای نگارش مقاله یا مدخل در بخش مربوط به صحابه در پیش‌گفتار ذکر شده، به قرار زیر است: ۱. در متن مقاله یا مدخل، شرح حال اصحاب در دوره‌ی نبوی و پس از آن به‌طور جامع و مختصر و با ملاحظه‌ی ترتیب زمانی حوادث آورده می‌شود، اطلاعاتی که بدان پرداخته می‌شود عبارت‌اند از: نام، نسب، کنیه و لقب، تیره و قبیله، زندگی پیش از اسلام به اختصار، اسلام آوردن، دلایل صحابی بودن فرد، از جمله ملاقات با رسول خدا یا شنیدن حدیث از ایشان، دوره‌ی مکه، هجرت، شرکت در بیعت‌ها، شرکت در غزوات و سرایا، سرانجام و درگذشت، همسر و فرزندان، نقل حدیث از پیامبر و ... ۲. اگر صحابه‌ای نقش مهمی در حادثه‌ای ایفا کرده باشد، به‌طور مفصل ذکر می‌گردد. ۳. اصحابی که خاندان آن نیز نقش سیاسی اجتماعی فعالی در عصر رسالت و خلفا داشته‌اند، به نقش خاندان ایشان

پس از درگذشت خودشان اشاره می‌شود. ۴. موقعیت اجتماعی صحابه پیش و پس از اسلام و در دوران خلفا بیان می‌شود. ۵. مناصب اجتماعی صحابه در قبل و بعد از اسلام، مانند سقایت حاجیان، امارت کوفه و ... آورده می‌شود. ۶. سابقه‌ی فکری صحابه پیش از اسلام بیان می‌شود. ۷. اندیشه‌های صحابه در عصر رسالت و پس از آن مقایسه می‌شود. ۸. به ارتباط خویشاوندی اصحاب با یکدیگر اشاره شده، اگر این ارتباط در ایجاد حوادث نقشی داشته، بیان می‌شود. ۹. لباس و نحوه‌ی خاص پوشش اصحاب بیان می‌شود. ۱۰. خصوصیات اخلاقی، ملکات نفسانی، و ویژگی‌های علمی، مانند فقیه یا شاعر بودن و موارد دیگر و نیز اذن داشتن در فتوا و مانند آن بیان می‌شود. ۱۱. نظرات خاص کلامی - فقهی صحابه که مطابق با نظرات شیعه است، بیان می‌شود. مانند قول به خمس، عمره، وضو، تجهیز و تکبیر بر میت و ... ۱۲. اگر اطلاعات درباره‌ی یک صحابی اندک باشد، ولی در مورد فرزندان یا حتی نسل‌های بعدی او اطلاعات قابل توجهی - همچون وجود یک محدث در نسل او - در دست باشد، به آن اشاره می‌شود. ۱۳. شخصیت‌های برجسته‌ی خاندان صحابه ذکر می‌شود. ۱۴. آرامگاه صحابه، اهمیت و تحول تاریخی آن بیان می‌شود. ۱۵. تعداد روایات اصحاب و نام راویان مهم آنان ذکر می‌شود. اگر تعداد روایات کسی اندک باشد یا روایت او مبنای حکم فقهی شده یا نکته‌ی اخلاقی خوبی داشته باشد، به مضمون این روایات اشاره می‌شود. اما اگر تعداد روایات زیاد باشد، فقط به تعداد آن اشاره می‌شود.

کتاب پیش از آنکه وارد مدخل‌ها شود از پیش‌درآمدی با عنوان «دانش صحابه‌نگاری» برخوردار است که به درون‌مایه‌هایی چون «تعریف صحابه»، «تسمیه‌نگاری، مقدمه‌ی صحابه‌نگاری»، «صحابه‌نگاران پیش‌گام»، «صحابه‌نگاران محلی»، «شکل‌گیری مجموعه‌های بزرگ»، «جایگاه صحابه از منظر اهل سنت»، «جایگاه صحابه از منظر شیعه»، «صحابه از منظر قرآن»، «صحابه از منظر صحابه»، «شیعه و صحابه‌نگاری»، «نگاهی گذرا به سه کتاب صحابه‌نگاری»، و «تصحیف و تحریف و نقش آن در دانش صحابه‌نگاری» پرداخته است.

در «تعریف صحابه»، موضوع از چهار منظر بررسی شده است: ۱. نگاه لغوی؛ به تعریف بخاری و احمدبن حنبل به نمایندگی از اهل حدیث پرداخته و بر این نظر است که هر که با پیامبر یک سال یا یک ماه یا یک روز یا ساعتی بوده یا لحظه‌ای او را دیده، صحابی است. ۲. نگاه عرفی؛ که مبنای آن بر فهم عرفی از این اصطلاح استوار است در سه شاخص ارائه شده است: لزوم مجالست طولانی و مصاحبت اختصاصی میان صحابی و پیامبر (سعیدبن مسیب، خطیب بغدادی)؛ بلوغ صحابی و عقل وی در امور دینی، هر چند ساعتی در خدمت پیامبر بوده باشد (واقدی)؛ و مجالست با پیامبر از سر اتباع و اخذ طولانی از وی (ابن حجر). ۳. نگاه حدیثی؛ منسوب به برخی از اصحاب حدیث اهل سنت است که افزون بر دیدار پیامبر در سن بلوغ یا تمییز، نقل روایت یا روایاتی را از حضرت بایسته می‌داند. ۴. نگاه جامع؛ تعریفی است که از ابن حجر در الاصابه نقل شده است که: «من لقی النبی فی حیاته مؤمناً به و مات علی الاسلام»،

یعنی صحابه کسی است که در زمان حیات پیامبر در حالی که به ایشان ایمان آورده، پیامبر را ملاقات کرده، و مسلمان نیز از دنیا رفته است. در ادامه، اشکالاتی که بر این تعریف از نظر شمول آن بر کودکان و منافقان و فرشتگان در آثار صحابه‌نگاری وارد شده، بررسی شده است.

«تسمیه‌نگاری، مقدمه‌ی صحابه‌نگاری»، عنوان بحث بعدی است که به سرآغاز دانش صحابه‌نگاری در قرن نخست هجری با فهرست‌نویسی (با عنوان تسمیه یا اسماء) و فرایند تکاملی آن می‌پردازد. در واقع، تسمیه‌نویسی از علم نَسَب یا دست‌کم برگرفته از آن بود و از این رو، تبیین نام و مشخصات فردی و قبیله‌ای اصحاب اهمیت می‌یافت. به عبارتی دیگر، صحابه‌نگاری، معجم‌نویسی صحابه بود که در روندی تکاملی از آنچه در تسمیه‌نویسی بود، استقلال یافت. ابن سعد در اللیقات الکبری با عنوان تسمیه از بیشتر اصحاب نام برده، اگرچه شیوه‌ی وی با شیوه‌ی متأخر الفبایی متفاوت است و رنگ جغرافیایی و محلی دارد. «صحابه‌نگاران پیش‌گام»، عنوان گفتار بعدی است که بر این نکته تأکید دارد که برخلاف ابن حجر که بخاری را پیش‌گام صحابه‌نویسی دانسته، پیش از او بسیاری به این امر پرداخته‌اند. در این بخش، اسامی سی‌ویک تن از ایشان و آثارشان تا پیش از ابن عبدالبر (م. ۴۶۳) آمده است. بحث با «صحابه‌نگاری محلی» ادامه می‌یابد که این زمینه به‌واقع فرآورد نوادگان صحابه در شهرهایی بود که سکنا گزیده بودند. برخی از این آثار معرفی شده‌اند، از جمله: تسمیه من نزل الکوفه من الصحابه ابونعیم فضل‌بن ذکین (۱۳۰-۲۱۹)؛ تسمیه من نزل البصره من الصحابه قومسی، نوح‌بن ابی حنیب (م. ۲۱۱)؛ تسمیه من نزل الشام من اصحاب رسول‌الله من الانصار و قبائل الیمین، ابوزرع دمشقی، عبدالرحمان بن عمرو بصری (م. ۲۸۱) ... استمرار این حرکت تکاملی به «شکل‌گیری مجموعه‌های بزرگ» انجامید؛ آثار صحابه‌شناسی در ابتدا بیشتر با عنوان معرفه الصحابه و اندکی بعد برای مراجعه‌ی آسان‌تر، براساس معجم و به نام معجم الصحابه نوشته شدند.

بحث درباره‌ی «صحابه از منظر اهل سنت»، به قصد بررسی چندچون عدالت صحابه، بر مبنای سه مفهوم اساسی اجماع صحابه، اجماع امت، و عدالت استوار شده است؛ با عطف توجه به تعاریف ارائه شده برای صحابه، اجماع امت مفهومی است که به تبیین ناهمسانی‌های گوناگون صحابه‌نگاران درباره‌ی عدالت صحابه می‌پردازد. مفهوم عدالت، از منظر اهل سنت، دلالت بر معنای حدیثی آن دارد و بر لزوم عمل به واجبات و ترک فسق و عدم اصرار بر گناه مبتنی است، گرچه در عمل گاه عدالت صحابه قرابت‌هایی با معنای عصمت یافته است. در ادامه، تحلیلی از آیات و روایات مؤید عدالت صحابه به دست داده شده است. «جایگاه صحابه از منظر شیعه»، با توجه به نزاع دیرینه‌ی اهل سنت با شیعه بر سر موضوع صحابه، رویکرد تقابلی موجود بین این دو را ترسیم می‌کند؛ به‌واقع، توجه بیش از حد اهل سنت به صحابه‌نگاری، آن هم با گرایش فضائل‌نویسی، شیعه را در واکنش به صحابه‌نگاری کلامی کشاند که به دو صورت مناقب‌نگاری اهل بیت و مثالب‌نویسی صحابه پدیدار شد. «صحابه از

در «تعریف صحابه»، موضوع از چهار منظر بررسی شده است: ۱. نگاه لغوی؛ ۲. نگاه عرفی؛ ۳. نگاه حدیثی و ۴. نگاه جامع

دانست که تا پیش از وی در حوزه‌ی صحابه‌نگاری نوشته شده است. کتاب سوم: الاصابه فی تمییز الصحابه، اثر ابن حجر عسقلانی که در آن ۱۲۳۰۴ تن صحابی را نام برده و آنان را در چهار بخش صحابه، اطفال، مخضرمین (کسانی که هم عصر جاهلی و هم عصر اسلامی را درک کرده‌اند)، و توهمات تقسیم کرده است. او کودکان را به اعتبار رؤیت، صحابی اما به اعتبار روایت، تابعی دانسته و بخش توهمات در اثر وی بسیار مهم و ابتکاری است. او در مقدمه‌ی جلد نخست کتاب، ذیل عنوان تعریف الصحابی و الطريق الی معرفه کون الشخص صحابیا چند قاعده را در شناخت صحابی ارائه داده است: صحابی شمردن همه‌ی مردم مدینه که تا لحظه‌ی آخر حیات پیامبر زنده بوده‌اند، تبرک جستن به پیامبر و نام‌گذاری، فرماندهی در فتوحات، و حضور در حجه‌الوداع. این قواعد محل تأمل در افزایش شمار صحابه‌ی مذکور مؤثر بوده است. پیش‌درآمد با اشاره‌ی کوتاهی به «تصحیف و تحریف و نقش آن در دانش صحابه‌شناسی» پایان می‌گیرد.

آغازین مدخل کتاب، «محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم» (۴۰) ق از بعثت/ (۱۱)، نوشته‌ی دکتر منصور داداش‌نژاد است و در پنجاه صفحه و سه بخش، بلندترین مدخل کتاب است. بخش نخست آن به موضوعات و مضامین ذیل پرداخته است: نسب و کنیه، پدر و مادر رسول خدا، ولادت رسول خدا، رویدادهای هنگام ولادت، دایگان رسول خدا، شق صدر یا شکافتن سینه، دوران کودکی رسول خدا، سفر رسول خدا به یثرب، کفالت عبدالمطلب، کفالت ابوطالب، دین رسول خدا پیش از بعثت، سفرهای رسول خدا پیش از بعثت، سفر دوم رسول خدا به شام، شرکت پیامبر در جنگ‌های فجار، حلف الفضول با پیمان برتر، امین بودن رسول خدا، نصب حجرالاسود، اهل کتاب و رسول خدا قبل از بعثت، سرپرستی علی بن ابی‌طالب، اراضات و هواتف و هواجس، عبادت، امی بودن رسول خدا، و شمایل و سجایای اخلاقی رسول خدا. بخش دوم مدخل با رخدادها و موضوعات پس از بعثت ادامه می‌یابد: بعثت رسول خدا، نخستین آیات، روایات بعثت، نخستین مسلمانان، فترت وحی، مراحل دعوت به اسلام (دعوت سَری، دعوت خویشاوندان، دعوت عمومی)، برخورد مشرکان با اسلام، هجرت به حبشه، محاصره‌ی اقتصادی و اجتماعی، اسراء و معراج، سفر به طائف، زمینه‌های هجرت به یثرب، بیعت عقبه‌ی اول، بیعت عقبه‌ی دوم، هجرت مسلمانان به یثرب. و سرانجام، بخش سوم در دو قسمت به موضوعات زیر می‌پردازد:

منظر قرآن»، نمایانگر دریافتی اعتدالی است که در میان نگاه افراطی قدسی‌انگارانه‌ی اهل سنت و نگاه تفریطی ارتدادانگارانه‌ی برخی از منابع شیعه قرار می‌گیرد؛ در این بحث آیاتی در ارتباط با طبقه‌بندی صحابه از منظر قرآن ارائه و بررسی شده است. «صحابه از منظر صحابه» به تنازع صحابه با یکدیگر و خدشه‌دار شدن عدالت همدیگر اشاره می‌کند که در این میان به دو سناسه‌ی اصلی تأکید شده است: تکذیب روایات یکدیگر و انواع دشمنی صحابه با یکدیگر و نیز اجرای حدود در حق صحابه. در ادامه، بحث «شیعه و صحابه‌نگاری»، به موقعیت و رویکرد و گستره‌ی صحابه‌نگاری نزد شیعه می‌پردازد. در واقع، به جز موارد عام یعنی کتاب‌های رجالی شیعه، تألیفات مربوط به صحابه‌نگاری، به دور از نگاه صحابه‌نگاری، بیشتر با نگاهی شیعی و گزینشی به‌صورت تک‌نگاری یا دسته‌ای خاص تدوین شده است و در این میان، به‌ندرت کتابی با نام فضائل الصحابه یا معرفه الصحابه یا معجم الصحابه یا اسماء الصحابه و مانند این عناوین رایج صحابه‌نگاران را می‌یابیم. حاصل این رویکرد، با توجه به گرایش‌های کلامی - تاریخی حاکم بر نوشته‌های صحابه‌نگاری شیعی نشانگر آن است که «معرفه الصحابه» به‌صورت تراجم‌نویسی و شخصیت‌شناسی برای علمای شیعه موضوعیت نداشته و این خود پی‌آمد دو امر کلی بوده است: اختلاف اساسی میان شیعه و اهل سنت درباره‌ی اخذ سنت و زمینه‌های تاریخی و نگاه متفاوت تشیع و تسنن به عملکرد صحابه، که برآیند این دو اهل سنت را به نوشتن «فضائل الصحابه» و شیعه را به نگارش «مناقب اهل بیت و گاه مثالب الصحابه» سوق داد. بحث پایانی پیش‌درآمد، «نگاهی گذرا به سه کتاب بزرگ صحابه‌نگاری» است: کتاب اول: الاستیعاب فی معرفه الصحابه، اثر ابن عبدالبر اندلسی (م. ۴۶۳)؛ که در تعریف صحابه قید تمییز را لحاظ کرده، اما راه اثبات صحابی را منحصر به سه روایات ندانسته، بلکه بیشتر بر اقوال مشهور علمای حدیث و سیره و انساب تکیه کرده است. مجموع افراد در الاستیعاب ۳۶۵۹ نفر است که از این میان ۳۲۵۶ نفر مرد و ۴۰۳ تن زن می‌باشند. کتاب دوم: اسد الغابه فی معرفه الصحابه، اثر ابن اثیر (م. ۶۰۳)؛ برپایه‌ی چهار کتاب اصلی نوشته شده است: معرفه الصحابه‌ی ابن‌منده، معرفه الصحابه‌ی ابونعیم، الاستیعاب ابن‌عبدالبر، و تتمه معرفه الصحابه‌ی ابوموسی مدینی. مجموع اصحاب مذکور در اسد الغابه ۷۷۱۱ نفر اعم از زن و مرد است و می‌توان آن را به نوعی فصل‌الخطاب تمامی کتاب‌هایی

«صحابه از منظر صحابه» به تنازع صحابه با یکدیگر و خدشه‌دار شدن عدالت همدیگر اشاره می‌کند که در این میان به دو شناسه‌ی اصلی تأکید شده است: تکذیب روایات یکدیگر و انواع دشمنی صحابه با یکدیگر و نیز اجرای حدود در حق صحابه

سیره نبوی

جسمی پیامبر، گرد آورده (ص ۴۱)، و گاه به‌رغم انتقادات متعدد بر آثار دلائل النبوه - که سرشار از روایات و معجزات نامعقول‌اند، اخباری از این آثار بدون تأیید دیگر منابع به دست داده است (ص ۵۲)، اما پیداترین ضعف مقاله - که در وجهی وسیع‌تر، ضعف کل اثر است - استفاده‌ی ناچیز از تحقیقات نوین، به‌ویژه مطالعات خاورشناسان است، برای نمونه، مدخل پیامبر تنها یک بار از وات بهره برده که استدلال پیش پا افتاده‌ی درباره‌ی اهمیت یشرب برای هجرت پیامبر است (ص ۵۸)، در حالی که با توجه به رویکرد بیش و کم انتقادی مدخل، بی‌شک پرداختن به مطالعات مذکور در نوسازی و پربرسازی این حوزه می‌توانست بسیار سودمند باشد. دومین مدخل به موضوع «خاورشناسان و مطالعات سیره» می‌پردازد. این مدخل - که دکتر محمدکاظم رحمتی آن را نگاشته - در عین کوتاهی نسبی (۹ صفحه)، داده‌ها و دانسته‌های سودمندی را در این حوزه‌ی گسترده به دست داده است. محتوای مقاله، شکل‌گیری و تکوین مطالعات سیره در غرب را براساس نوع رویکرد به چهار دوره تقسیم و بررسی کرده است: ۱. ادبیات ردیه‌نویسی مسیحیت بر اسلام؛ سنت ردیه‌نویسی مسیحیت بر اسلام، در یک چشم‌انداز جغرافیایی - تاریخی براساس حوزه‌های جغرافیایی به بخش‌های بیزانس، عراق، شامات، و اندلس قابل تقسیم است. در این آثار، راهبان مسیحی دوره‌های میانه با فهم عموماً کینه‌توانه از اسلام به بررسی قرآن و متون اسلامی پرداخته‌اند. در این مسیر به فعالیت‌های راهب اعظم دیر کلونی به نام پیتر جلیل / پطرس مکرم (متوفی ۵۵۱/ق ۱۱۵۶م) اشاره شده که همزمان با دومین دوره‌ی جنگ‌های صلیبی به یاری مترجمان مستعرب طلیطله موفق به ترجمه‌ی چند متن عربی به لاتینی، از جمله قرآن کریم گردید. ۲. تغییر آرام از سنت ردیه‌نویسی به شرح‌حال‌نگاری رسول خدا؛ در پی شکل‌گیری گرایش الحادی در اروپا، برخی نویسندگان مسیحی به دنبال راهی در بیان انتقاد از مسیحیت، به ستایش از اسلام و پیامبر پرداخته‌اند. برای نمونه‌ای از این آثار، کتاب زندگی محمد (۱۷۲۳) از کنت دوبولن ویلی‌یه (۱۶۵۸-۱۷۲۲)، فناتیسم ولتر (۱۶۹۴-۱۷۷۸) بررسی شده‌اند. در تقابل با این رهیافت، برخی انتقاد از پیامبر را مورد توجه قرار داده‌اند. که آثار ژان گابینی‌یه (۱۶۷۰-۱۷۴۰) و همفری پریدوکس (۱۶۴۸-۱۷۲۴) از این دست‌اند. ۳. سیره‌نگاری علمی؛ این رهیافت، متأثر از روش‌شناسی‌های جدید در علوم و توجه به محافل علمی به جای

۱. حوادث دوران مدینه؛ اسلام در مدینه، ورود رسول خدا به مدینه، اقدامات اولیه، مغازی و سرایا، تغییر قبیله، جنگ بدر، جنگ احد، غزوه‌ی حمراء الاسد، جنگ بنی‌نضیر، از جنگ بنی‌نضیر تا نبرد خندق، جنگ خندق، بنی‌قریظه، صلح حدیبیه، پیکار خیبر، جنگ موتة، فتح مکه، جنگ حنین و طائف، تبوک، اعلام براءت، وفود، حجه الوداع، لشکر اسامه، وصیتی که نوشته نشد، رحلت. ۲. سیره‌ی رسول خدا؛ سیره‌ی سیاسی و نظام اداری (کارگزاران، قاضیان، عاملان صدقات، کتاب، مبلغان)، سیره‌ی نظامی، سیره‌ی اخلاقی، سیره‌ی فردی، و سیره‌ی خانوادگی.

آنچه می‌توان در اینجا به اختصار درباره‌ی مدخل بیان نمود، چند نکته‌ی اصلی است: نویسنده‌ی مدخل کوشیده است تا از رهگذر نقد درونی منابع، درستی و نادرستی داده‌ها را بیازماید و حتی برخی مشهورات و مسلمات سیره را در محک بازآزمایی قرار دهد، برای نمونه‌هایی چند؛ به بر ساخته بودن پیشینه‌ی روایات مربوط به اتفاقات هنگام ولادت پیامبر - که اغلب در آثار دلائل النبوه نقل شده‌اند - تأکید شده (صص ۳۱-۳۲)، داستان شق صدر - که اول بار این اسحاق آن را آورده - ساختگی نمایانده شده (ص ۳۳)، و روایات مربوط به سفر پیامبر به شام و ملاقات با بحیرای راهب مورد نقد دقیق قرار گرفته (صص ۳۶-۳۷)، اما این رویکرد گاه در برابر داده‌های مشابه خاموش است و نقدی در میان نیست، برای نمونه، به نقل از ابن سعد بیان می‌شود که «در پانصد تن از اجداد پدری و مادری پیامبر کسی ازدواجش با سنت‌های جاهلی یا زناکار نبود» (ص ۳۰)؛ یا باز به نقل از همو «پیامبر ختنه شده و ناف بریده به دنیا آمد و کس عورت وی ندید» (ص ۳۱)، نیز، در بیشتر موارد این رویکرد نقادی بر مبنای مباحث و مسائل کلامی استوار بوده، از چنین نظرگاهی، بی‌وجه و بی‌پایه در درستی برخی داده‌ها تردید شده است، برای نمونه، امی بودن پیامبر با این استدلال رد می‌شود که «چطور ممکن است کسی که خداوند به او کتاب و حکمت آموخته، مانند کسی باشد که خواندن و نوشتن نمی‌دانست» (ص ۴۱)، حضور پیامبر و بنی‌هاشم در جنگ‌های فجار - با نادیده گرفتن منابع اولیه و بدون ارائه دلیل مؤید - با داستان‌سرایی‌های عامیانه همانند دانسته شده (صص ۳۷-۳۸)، و در شمار کشتگان اسرای قریظه تردیده شده، وقتی به اذعان نویسنده، سیره‌نویسان و تاریخ‌نگاران و مفسران متقدم آن را با کمترین اختلاف ثبت کرده‌اند (ص ۶۲). همچنین، گاه مدخل داده‌هایی ناهمخوان را، به‌ویژه در وصف ویژگی‌های

محافل کلیسایی در مطالعه‌ی اسلام بود، اگرچه نگرش‌های ادوار قدیم در قالبی جدید برجای ماند. کسانی چون آبراهام گایگر (۱۸۱۰-۱۹۷۴) و هارتوینگ هرشفلد (۱۸۵۴-۱۹۳۴)، در اوایل قرن نوزدهم، با نمایاندن خاستگاه‌های ظهور اسلام و غالباً با تأکید بر ریشه‌های یهودی یا مسیحی به مطالعه‌ی صدر اسلام پرداختند. رویکرد جدید مبتنی بر بهره‌گیری از نصوص اسلامی در شرح‌حال پیامبر، اول بار مورد توجه گوستاو وایل (۱۸۰۸-۱۸۸۹) قرار گرفت؛ او آثاری چند جلدی چون تاریخ خلفا و محمد پیامبر: زندگی و تعالیم را نگاشت و سیره‌ی ابن اسحاق به تهذیب ابن هشام را به یاری وُستفَلد (۱۸۰۸-۱۸۹۹) به آلمانی ترجمه کرد. توجه جدی خاورشناسان آلمانی به نشر متون عربی نیز با کوشش‌های هنریش فردیناند وُستفَلد و ادوارد زاخاو (۱۸۴۵-۱۹۳۰) وارد دور جدیدی شد و آثاری چون الطیقات ابن سعد، تاریخ طبری، معزای واقعی منتشر شدند. از خاورشناسان برجسته‌ی این دوره، سِر ویلیام مویر (۱۸۱۹-۱۹۰۵)، آلیوس اشپرنگر (۱۸۱۳-۱۸۹۳)، هوبرت گریم (۱۸۶۴-۱۹۴۲)، و تنودور نولدکه (۱۸۳۶-۱۹۳۰) با نگاشته‌های خود تأثیر جدی بر تدوین و تألیف سیره‌ی پیامبر گذاشتند. در ادامه، آثاری چون زندگی و تعالیم پیامبر اشپرنگر، کهن‌ترین شرح‌حال‌نگاران پیامبر اثر ژوزف هورویس (۱۸۷۴-۱۹۳۱)، محمدبن اسحاق اثر یوهان فوک (۱۸۹۴-۱۹۷۴)، حیات پیامبر سر ویلیام مویر، تاریخ یهود و نقد کتاب مقدس (تورات) اثر ژولیوس ولهاوزن (۱۸۴۴-۱۹۱۸) مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند. ۴. **رویکرد شکاکانه در مطالعات سیره: پیشینه و تأثیرات؛ بحث با بررسی اثر ایگناس گلدتسهیر (۱۸۵۰-۱۹۲۱)**، مطالعاتی درباره‌ی مسلمانان، و تأثیر آن بر مباحث وثاقت متون اسلامی و چرایی پذیرش وثاقت آن‌ها آغاز می‌شود. در ادامه، آراء و آثار پرنس لئون کایتانی (۱۸۶۹-۱۹۳۵) (سال شمار اسلام) و هنری لامنس (م. ۱۹۳۷) (الفرائد فی الفروق و فاطمه و دختران پیامبر) بررسی شده که شناسه‌ی عمده‌ی این آثار، شکاکیت در شناخت حوادث صدر اسلام و شخصیت تاریخی پیامبر است. دور جدید شکاکیت، با بررسی تحقیقات ژوزف شاخت (۱۹۰۲-۱۹۶۹): خاستگاه‌های فقه اسلامی و مقدمه‌ای بر فقه اسلامی؛ رئیس بلاشر (۱۹۰۰-۱۹۷۳)؛ فرانتس بوهل (۱۸۵۰-۱۹۳۲)؛ زندگانی محمد؛ ویلیام مونتگمری وات (۱۹۰۹-۲۰۰۶)؛ محمد در مکه و محمد در مدینه؛ ماکسیم رودسون؛ محمد؛ رودی پارت (۱۹۰۱-۱۹۸۳)؛ محمد و قرآن؛ جان ونسبروا (۱۹۲۸-۲۰۰۲)؛ مطالعات قرآنی و محیط فرقه‌ای، و اثر مشترک پاتریشیا کرون و مایکل کوک؛ هاجر یسم، ساخت جهان اسلام و ... ادامه یافته و پژوهش‌های مناخیم قسطنطین، والتر دوستال، و ماکسیم رودسون درباره‌ی چگونگی تکوین شهر مکه در جاهلیت و شکل‌گیری مناسبات جدید میان قبایل تبیین شده است. مقاله با بررسی سه موضوع برجسته در آثار خاورشناسی پایان می‌گیرد: ۱. جنبه‌های اقتصادی درگیری میان پیامبر و کفار قریش؛ که به بررسی موضوعی مقالات فرد دونر پرداخته است. ۲. بازسازی متون مفقودشده‌ی سیره؛ که بررسی موردی آثار بازسازی‌شده‌ی چون الاصابه‌ی ابن حجر عسقلانی، الاده‌ی وثیمه‌بن موسی توسط هونرباخ،

ساخت آخرین پیامبر: بازسازی کهن‌ترین شرح‌حال محمد (بازسازی بخش المبتداه کتاب سیره‌ی ابن اسحاق) است. ۳. قانون‌نامه‌ی مدینه؛ که در آثار ولهاوزن، محمد و یهود مدینه، اثر آرنه ونسیک، محمد در مکه‌ی وات، و نیز در آثار سرجنت و موشه‌گیل بررسی شده است. چنان‌که رفت، مقاله داده‌ها و یافته‌های سودمندی را در این حوزه‌ی گسترده پیش نهاده و شناخت نسبتاً درخوری را از آثار این عرصه به دست می‌دهد. اما آنچه به نظر درباره‌ی آن گفتنی می‌نماید پرداخت نسبتاً مفصل‌تر به برخی دوره‌ها و آثار یا افرادی چون ملاخیم قسطنطین و موضوعات جنبی در سیره، و نیز کم‌توجهی به دوره‌های اولیه یا برخی محققان برجسته چون گلدزیهر، وات، بلاشر، و نولدکه است، همچنان‌که از معرفی و پرداختن به دیگر خاورشناسان فعال در این حوزه همچون گیب و بروکلنم فروگذاری کرده است.

مدخل‌های جلد حاضر، دو حرف «آ» و «ا» را دربر می‌گیرد؛ آبی اللّحم غفاری (... / ا) و آدم‌بن ربیعہ (... / ا) قبل از بعثت) در حرف «آ» معرفی شده و اسامی کسانی که در حرف «ا» - که کل جلد را تشکیل می‌دهد - معرفی و بررسی شده‌اند، از قرار زیر است (فهرست تفصیلی ذیل، می‌تواند برای کسانی که با نظرگاهی تخصصی به مضمون صحابه‌نگاری می‌پردازند، سودمند باشد)؛ آباء بن قیس آسَدی (... / ا)؛ ابان بن سعید بن عاص بن امیه بن عبدشمس قُرشی، ابوالولید (... / ۲۹؟)؛ ابان مُحاربی (... / ...)؛ ابجر مَزنی (... / ...)؛ ابراهیم اشْهلی (... / ...)؛ ابراهیم بن ابی موسی اشْعری (... / حدود ۷۰)؛ ابراهیم بن جابر (... / ...)؛ ابراهیم بن حارث بن خالد قُرشی تیمی (... / ...)؛ ابراهیم بن خَلاد بن سُوید خَزرجی انصاری (... / ...)؛ ابراهیم بن رسول‌الله (۸ / ۱۰)؛ ابراهیم بن عَباد حارثی اوسی انصاری (... / ...)؛ ابراهیم بن عبدالرحمان بن عوف، ابواسحاق (... / ۹۵ یا ۹۶)؛ ابراهیم بن عبدالرحمان عُدزی (... / ...)؛ ابراهیم بن عبید زُرْقی انصاری (... / ...)؛ ابراهیم بن عبیده بن حارث (... / ...)؛ ابراهیم بن قیس بن معدی کرب کنذی (... / ...)؛ ابراهیم بن نُعمان عَدوی حجازی (م. ۶۳۰)؛ ابراهیم نَجّار (... / ...)؛ ابرهه‌ی حَبَشی (... / ...)؛ ابرهه بن شَرَحْبیل بن ابرهه اصبحی حِمیری (... / ...)؛ ابرهه بن صباح حبشی حِمیری (... / ...)؛ ابزی خَزاعی (... / ...)؛ ابن بَحنه‌ی ازدی (... / ۵۶)؛ ابوامنه‌ی قَزازی (... / ...)؛ ابوابراهیم (زنده به سال ۱۰۴)؛ ابوابراهیم حَجَبی (... / ...)؛ ابوابراهیم، مولی ام‌سلمه (... / ...)؛ ابوابی ابن ام‌حرام انصاری (... / ...)؛ ابوابیله‌ی دیگر (... / ...)؛ ابواحمد بن حَخش (... / حدود ۲۱)؛ ابواحمد بن قیس بن لَسودان (... / ...)؛ ابواخِجه‌ی قُرشی (... / ...)؛ ابوالأخرم (... / ...)؛ ابواخس بن حَذافه سهمی (... / ...)؛ ابوادریس خَوْلانی (... / ۸۰)؛ ابواذینه‌ی صَدقی (... / ...)؛ ابوارطاه اَحْمسی (... / ...)؛ ابوارقم قُرشی (... / ...)؛ ابواروی دُوسی (... / ۶۰؟)؛ ابوازور اَحْمری (... / ...)؛ ابواسرائیل انصاری (... / ...)؛ ابواسماء بن عمرو جُدّامی (... / ...)؛ ابواسماء رَحَبی شامی (م ۶۵-۸۵)؛ ابواسماء سکونی (... / ۶۵)؛ ابواسماء مَزنی (... / ...)؛ ابواسود بن یزید بن معدیکرب (... / ...)؛ ابوالاسود دُوکی (... / ۶۹)؛ ابواسود دُوسی (... / ...)؛ ابوالاسود سلمی (... / ...)؛ ابواسود قُرشی (... / ...)؛ ابواسود هَزّانی عَزّزی (... / ...)؛ ابواسید بن ثابت انصاری مدنی (... / ...)؛

ابوأسیدین علی بن مالک انصاری (... / ...): ابوأسید ساعدی خزرجی (م. ۴۰ یا ۶۰ یا ۶۵); ابواسیرین حارث بن علقمه خزرجی انصاری (... / ۳); ابواشعث (... / ...): ابوعورین ظالم خزرجی (... / ...): ابوعور جرمی (... / ...); ابوامامه‌ی انصاری (... / ...): ابوامامه‌ی باهلی (... / ۸۶); ابوامامه‌ی ثعلبه‌ی انصاری (... / ...): ابوامامه‌ی سهل انصاری (۸ / ۱۰۰); ابوامیمه‌ی جشمی (... / ...): ابوامیمه‌ی تغلیبی (... / ...): ابوامیمه‌ی دوسی (... / ...): ابوامیمه‌ی شعبانی (... / ...): ابوامیمه‌ی عدوی (... / ...): ابوامیمه‌ی مخزومی (... / ...); ابوامیمه‌ی اخسن بن شهاب ثقفی (... / ...): ابواناس بن زئیم ذکلی کنانی (... / ...): ابوانس انصاری (... / ...): ابواهاب بن عزیز (... / ...): ابوامن انصاری (... / ۳): ابویوب ازدی (... / ...): ابویوب انصاری (... / ۵۲); ابویوب مالکی (... / ...): ابویوب یمامی (... / ...): ابوالبحیر (... / ...): ابوبحیر دیگر (... / ...); ابوجبر بکروای (... / ۱۹۵); ابوبحیره‌ی تراغمی (... / ...): ابوبداح بن عاصم بن عدی انصاری بَلَوی، ابوعمر (... / ...): ابویزاد، غلام تمیم‌داری (... / ...): ابوبرده‌ی ظفیری انصاری اوسی (... / ...): ابوبرده‌ی سعد بن جزابه‌ی مخزومی (... / ...): ابوبرده‌ی قیس اشعری (... / ...): ابوبرده‌ی نیار انصاری (... / ۴۱-۴۵); ابوبرزه‌ی اسلمی (... / ۶۴); ابوبرقان سعدی (... / ...); ابوبرزه‌ی مکی مخزومی (... / ...): ابوبرزه‌ی جهنی (... / ...): ابوالبشر بن حارث عبدی (... / ...): ابوبشر خثعمی (... / ...): ابوبشر سلمی (... / ...): ابوبشیر انصاری ساعدی (... / بعد از ۶۳); ابوبصره (... / ...): ابوبصره‌ی غفاری (... / ...): ابونصیر (... / ...): ابونصیر ثقفی (... / ...): ابونصیره‌ی انصاری (... / ...); ابونصیره‌ی یشکری (... / ...): ابوبکر بن ابی قحافه (۳ سال پیش از عام‌الفیل / ۱۳); ابوبکر بن حفص بن عمر بن سعد (... / ...): ابوبکر بن شعوب لیثی (... / ...): ابوبکر بن عبدالله بن ابی مریم غسانی (... / ...): ابوبکر غنسی (... / ...): ابوبکره ثقفی (سوم بعثت / ۵۳); ابوبهیسسه‌ی فزازی (... / ...); ابوجابر صدقی (... / ...): ابوجابره‌ی انصاری (... / ...): ابوتجراه (... / ...); ابوتحیی (... / ...): ابوتمیم جیشانی (... / ۷۸); ابوتمیمه (... / ...): ابوتمیم هذلی (... / ...): ابوتمیمه‌ی هجیمی بصری (... / ۹۷); ابوثابت بن عبد عمرو انصاری (... / ...): ابوثابت قرظی (... / ...): ابوثابت کوفی (... / ...); ابوثریه‌ی جهنی، سیره‌ی بن معبد (... / پس از ۵۰); ابوثعلبه‌ی اشجعی (... / ...): ابوثعلبه‌ی ثقفی (... / ...): ابوثعلبه‌ی خثعمی (... / ۷۵); ابوثعلبه‌ی قرظی (... / ...): ابوثور فهمی (... / ...): ابوجامع بن مخرق (... / ...): ابوجبر (... / ۱۳); ابوجبره‌ی بن ضحاک (... / ...): ابوجحش لیثی (... / ...): ابوجرول جشمی سعدی (... / ...): ابوجزری هجیمی (... / ...): ابوجعال جذامی (... / ...); ابوالجعد ضمری (... / ۳۶); ابوجعد غطفانی (... / ...): ابوجعفر انصاری (... / ...): ابوجعیه‌ی صاحب‌رقیق (... / ...): ابوجعید (... / ...): ابوجندلی ازدی (... / ...); ابوجعمه‌ی انصاری (... / میان سال‌های ۷۰-۸۰); ابوجعمه‌ی بن خالد خزاعی (... / ...): ابوجمیله‌ی سلمی (... / حدود ۷۰); ابوجندب ثقفی (... / ...); ابوجندب فزازی (... / ...): ابوجندل بن سهیل بن عمرو (... / ۱۸); ابوجندل، زوج امامه (... / ...): ابوجنیده‌ی فهری (... / ...): ابوجنیده‌ی جندع (... / ...); ابوجهاد انصاری سلمی (... / ...): ابوجهراء (... / ...): ابوجهم بن خذیفه‌ی عدوی (... / بعد از ۶۴); ابوجهیم بن حارث بن صمه‌ی نجاری (... / ...);

ابوجهینه‌ی انصاری (... / ...): ابوجیش بن ذی‌لحینه‌ی عامری (... / ...); ابوحابس جهنی (... / ...): ابوحاتم مُزنی (... / ...): ابوحاجب انصاری (... / ...); ابوحارث ازدی (... / ...): ابوحارثه‌ی بن علقمه، اسقف (... / ...): ابوحازم انصاری (... / ...): ابوحازم بجللی (... / ...): ابوحازم، عوف بن عبدحارث احمسی بجللی (... / ۷); ابوحاضر (... / ...): ابوحاطب بن عمرو بن عبدشمس (... / ...); ابوحبیه بدری (... / ۳); ابوحبیه بن عزیه‌ی بن عمرو انصاری خزرجی مازنی (... / ۱۲); ابوحبیب (... / ...): ابوحبیب بن زید بن حباب انصاری خزرجی (... / ...); ابوحبیب فهری (... / ...): ابوحبیه بن ازعر بن زید بن عطف انصاری (... / ...): ابوحتمه‌ی بن خذیفه‌ی بن عامر عدوی قرظی (... / ...): ابوحتمه‌ی بن ساعده‌ی بن عامر انصاری اوسی (... / ...): ابوحجاج اسلمی (... / ...): ابوحجاج ثمالی (... / ...): ابوحذر اسلمی (... / ...): ابوحذیره جذامی (... / ...); ابوحذیفه‌ی بن عتبّه بن ربیعّه (۲۶ یا ۲۷ قبل از بعثت / ۱۲); ابوحذیفه‌ی ثقفی (... / ...): ابوحرب بن خویلد عامری (... / ...): ابوحزیره (... / ...): ابوحزیرش (... / ...): ابوحسان، جد صالح بن حسان (... / ...): ابوحسن انصاری مازنی (... / ...): ابوالحسن بن نوفل راعی (... / ...): ابوحسن، مولی بنی نوفل (... / ...); ابوحشر (... / ...): ابوحصین انصاری سالمی (... / ...): ابوحصین خثعمی (... / ...): ابوحصین سدوسی (... / ...): ابوحکم بن حبیب بن ربیع‌ی ثقفی (... / ...): ابوحکیم کنانی (... / ...): ابوحقّاد جهنی (... / ۵۸); ابوحمامه (... / ...): ابوحمرّاء، مونی آل عفرّاء (... / ...): ابوحمرّاء، مولی رسول‌الله (... / ...); ابوحمرّه‌ی انصاری (... / ...): ابوحمید ابو بوخمیده (... / ...): ابوحمید ساعدی انصاری (... / ۶۰); ابوحمیصه‌ی مُزنی (... / ...): ابوحمیصه (... / ...); ابوحنا بن ابی ازیهر دوسی (... / ...): ابوحش انصاری (... / ...): ابوحیوه‌ی کندی (... / ...): ابوحیه‌ی نمیری (... / ...): ابوخالد حارثی (... / ...); ابوخالد دیگر (... / ...): ابوخالد قرظی (... / ...): ابوخدّاش (... / ...): ابوخزّاش اسلمی (... / ...): ابوخزّاش رعیسی (... / ...): ابوخزّاء عامری (... / ...): ابوخزّامه‌ی بن یعمر سعدی قضعی (... / ...): ابوخزّامه‌ی بن عذری قضاعی (... / ...): ابوخزّامه (... / ...): ابوخزّامه‌ی بن یربوع بن عمرو انصاری (... / ...): ابوخضفه (... / ...); ابوالخطاب (... / ...): ابوخلّاد رعیسی (... / ...): ابوخلف، خادم پیامبر (... / ...); ابوخنیس غفاری (... / ...): ابوالخبیری (... / ...): ابوخیمه‌ی انصاری (... / ...): ابوخیره (... / ...): ابوخیره‌ی عدوی (... / ...): ابوداود انصاری مازنی (... / ...); ابودجانه‌ی انصاری، سماک بن خزّاشه (... / ۱۲); ابودحّاح انصاری (... / ...); ابودرداء انصاری (... / ۳۷); ابودرداء غیر منسوب (... / ...): ابودره‌ی بلوی (... / ...); ابوالدنیا (... / ...): ابودهماء بُنانی (... / ...): ابودیلمی (... / ۵۳); ابودباب دیگر (... / ...): ابودرّ غفاری، جندب بن جناده (... / ۳۲); ابودزّه‌ی بن معاذ بن زراه‌ی ظفیری (... / ...): ابودؤیب هذلی (... / ۲۷); ابوراشد ازدی (... / ...): ابورافع انصاری (... / ...): ابورافع صائغ (زرگر) (... / ...): ابورافع، مولی رسول‌الله (... / پس از ۴۰); ابورباب (... / ...): ابوربیع انصاری ظفیری (... / ...): ابوربیعّه (... / ...): ابورجاء عطاردی (... / ...): ابورحیمه (... / ...); ابورزّاد لیثی (... / ...): ابوالرّذین (... / ...): ابورزین (... / ...): ابورزین اسدی (... / ...): ابورزین دیگر (... / ...): ابورزین عُقیلی (... / ...): ابورعلّه‌ی قشیری (... / ...): ابورفاته‌ی عدوی (... / ...): ابورقاد عدوی (... / ...): ابورمته‌ی

تیمی (تیمی) (.... / ... / ...)؛ ابوزمخ خزاعی (.... / ... / ...)؛ ابوزمدها بلوی (.... / ... / ...)؛ ابوالروبن عمیر بن هاشم بن عبدمناف عذری (۱۳)؛ ابورومی (.... / ... / ...)؛ ابوزویحه‌ی فزعی (.... / ... / ...)؛ ابوزهم آرحبی (.... / ... / ...)؛ ابوزهم بن قیس اشعری (.... / ... / ...)؛ ابوزهم غفاری، کلثوم بن حصین (.... / ... / ...)؛ ابوریحانه‌ی ازدی (زنده تا زمان حجاج)؛ ابویطه (.... / ... / ...)؛ ابویطه‌ی مدحجی (.... / ... / ...)؛ ابوزبید طائی شاعر (.... / ... / ...)؛ ابوزبیر، مؤذن بیت‌المقدس (.... / ... / ...)؛ ابوززاره‌ی انصاری (.... / ... / ...)؛ ابوزرعه، مولی مقداد بن اسود (.... / ... / ...)؛ ابوزعراء بلوی (.... / ... / ...)؛ ابوزعتة‌ی شاعر (.... / ... / ...)؛ ابوزوائد یمانئ (.... / ... / ...)؛ ابوزهره‌ی قشیری (.... / ... / ...)؛ ابوزهیر بن اسید بن جعونه‌ی نمیری (.... / ... / ...)؛ ابوزهیر ثقفی (.... / ... / ...)؛ ابوزهیر نمیری (.... / ... / ...)؛ ابوزیاد، مولی بنی جمح (.... / ... / ...)؛ ابوزید انصاری خزرجی (.... / ... / ...)؛ ابوزید انصاری، عمرو بن اخطب (.... / ... / ...)؛ ابوزید بن عمرو جذامی (.... / ... / ...)؛ ابوزید جریمی (.... / ... / ...)؛ ابوزید غافقی (.... / ... / ...)؛ ابوزید غیرمنسوب دیگر (.... / ... / ...)؛ ابوزید قاریء اوسی (.... / ... / ...)؛ ابوزینب بن عوف بن حارث انصاری (.... / ... / ...)؛ ابوسائب (.... / ... / ...)؛ ابوسائب ثقفی (.... / ... / ...)؛ ابوسائب، رجل من اصحاب رسول الله (.... / ... / ...)؛ ابوسائب، مولی غیلان (.... / ... / ...)؛ ابوساسان رقاشی (.... / ... / ...)؛ ابوسالم حنفی سخیمی (.... / ... / ...)؛ ابوسبره (.... / ... / ...)؛ ابوسبره، جد عیسی بن سبره (.... / ... / ...)؛ ابوسبره‌ی جعفی (.... / ... / ...)؛ ابوسبره‌ی جهنی (.... / ... / ...)؛ ابوسبره‌ی نخعی (.... / ... / ...)؛ ابوسبره‌ی ابی زهم (.... / ... / ...)؛ ابوسبغ بن عثمان)؛ ابوسبغ بن عبدالقیس زرقی انصاری (.... / ... / ...)؛ ابوسجیف بن قیس بن حارث (.... / ... / ...)؛ ابوسروعه‌ی نوفلی (.... / ... / ...)؛ ابوسریحه‌ی غفاری (.... / ... / ...)؛ ابوسعد حمصی (.... / ... / ...)؛ ابوسعد اعمی (.... / ... / ...)؛ ابوسعد الخیر انصاری (.... / ... / ...)؛ ابوسعدان شامی (.... / ... / ...)؛ ابوسعد بن ابی فضاله‌ی حارثی انصاری (.... / ... / ...)؛ ابوسعد بن وهب نصری (.... / ... / ...)؛ ابوسعد ساعدی (.... / ... / ...)؛ ابوسعد یا ابوسعد بن حارث بن هشام مخزومی (.... / ... / ...)؛ ابوسعد انصاری (.... / ... / ...)؛ ابوسعد بن زید (.... / ... / ...)؛ ابوسعد بن مملی انصاری (.... / ... / ...)؛ ابوسعد خدری (.... / ... / ...)؛ ابوسعد غیرمنسوب (.... / ... / ...)؛ ابوسعد مقبری (.... / ... / ...)؛ ابوسعد، مولی ابی اسید (.... / ... / ...)؛ ابوسعد یا ابوسعد انصاری (.... / ... / ...)؛ ابوسفیان بن حارث بن عبدالطلب هاشمی (.... / ... / ...)؛ ابوسفیان بن حارث بن قیس انصاری (.... / ... / ...)؛ ابوسفیان بن خویط بن عبدالعزی عامری (.... / ... / ...)؛ ابوسفیان بن محصن اسدی (.... / ... / ...)؛ ابوسفیان بن وهب اسدی (.... / ... / ...)؛ ابوسفیان سدوسی (.... / ... / ...)؛ ابوسفیان، صخر بن حرب بن امیه (۵۷ ق هـ / ۳۱ ق)؛ ابوسفیان غیرمنسوب (.... / ... / ...)؛ ابوسفیان فزازی (.... / ... / ...)؛ ابوسکینه‌ی شامی (.... / ... / ...)؛ ابوسلاله‌ی اسلمی (.... / ... / ...)؛ ابوسلام، خادم رسول الله (.... / ... / ...)؛ ابوسلمه‌ی انصاری، جد عبدالحمید (.... / ... / ...)؛ ابوسلمه‌ی غیرمنسوب دیگر (.... / ... / ...)؛ ابوسلمه بن سفیان (.... / ... / ...)؛ ابوسلمه بن عبدالاسد (.... / ... / ...)؛ ابوسلمی راعی (.... / ... / ...)؛ ابوسلمی غیرمنسوب (.... / ... / ...)؛ ابوسلیط انصاری (.... / ... / ...)؛ ابوسلیمان بن جبرین مطعم (.... / ... / ...)؛ ابوسمال اسدی (.... / ... / ...)؛ ابوسمج، مولی رسول الله (.... / ... / ...)؛ ابوسنابل بن بکک بن حارث قرشی عذری (.... / ... / ...)؛ ابوسنان اشجعی (.... / ... / ...)؛ ابوسنان انصاری (.... / ... / ...)؛ ابوسنان بن حرث مخزومی (.... / ... / ...)؛ ابوسنان بن محصن اسدی (۲۲ قبل از بعثت / ۵)؛ ابوسنان عذری

صباحی (.... / ... / ...)؛ ابوسود تیمی غدائی (.... / ... / ...)؛ ابوسوید (.... / ... / ...)؛ ابوسوید عبیدی (.... / ... / ...)؛ ابوسهیل غیرمنسوب (.... / ... / ...)؛ ابوسهله، مولی عثمان (.... / ... / ...)؛ ابوسیاره‌ی متعی (.... / ... / ...)؛ ابوسیلان (.... / ... / ...)؛ ابوشاه یمانئ (.... / ... / ...)؛ ابوشمل (.... / ... / ...)؛ ابوشیب (.... / ... / ...)؛ ابوشجره‌ی سلمی (.... / ... / ...)؛ ابوشحمن بن عمر بن خطاب (.... / ... / ...)؛ ابوشجره‌ی سلمی (.... / ... / ...)؛ ابوشحمان (.... / ... / ...)؛ ابوشداد شامی (.... / ... / ...)؛ ابوشداد فهری (.... / ... / ...)؛ ابوشریح (.... / ... / ...)؛ ابوشریح خزاعی (.... / ... / ...)؛ ابوشریح مصری (.... / ... / ...)؛ ابوشریک (.... / ... / ...)؛ ابوشعب دیگر (.... / ... / ...)؛ ابوشعب لحم (.... / ... / ...)؛ ابوشقره‌ی تیمی (.... / ... / ...)؛ ابوشماس بن عمرو جذامی (.... / ... / ...)؛ ابوشمر بن ابرهه بن شرحبیل حمیری (.... / ... / ...)؛ ابوشمر بن قیس کنذی (.... / ... / ...)؛ ابوشموس بلوی (.... / ... / ...)؛ ابوشمیر (ابن شمیر) (.... / ... / ...)؛ ابوشمیله‌ی شنئی (.... / ... / ...)؛ ابوشهاب هذلی (.... / ... / ...)؛ ابوشهم (.... / ... / ...)؛ ابوشهم تیمی (.... / ... / ...)؛ ابوشیبان سعدی (.... / ... / ...)؛ ابوشیبه‌ی انصاری خدری (.... / ... / ...)؛ ابوشیبه‌ی دیگر (.... / ... / ...)؛ ابوالشیخ، ابی بن ثابت بن منذر بن حرام نجاری (.... / ... / ...)؛ ابوشیم مزی (.... / ... / ...)؛ ابوالصالح، مولی ام‌هانی (.... / ... / ...)؛ ابوصحاح سعدی (.... / ... / ...)؛ ابوصخر عقیلی (.... / ... / ...)؛ ابوصرمه‌ی انصاری مازنی (.... / ... / ...)؛ ابوصبر عذری (.... / ... / ...)؛ ابوصفره‌ی عتکی ازدی (.... / ... / ...)؛ ابوصفوان یا ابن صفوان (.... / ... / ...)؛ ابوصقیه، مولی رسول الله (.... / ... / ...)؛ ابوصهب (.... / ... / ...)؛ ابوصبیس جهنی (.... / ... / ...)؛ ابوصحاک انصاری (.... / ... / ...)؛ ابوصمصم (.... / ... / ...)؛ ابوصمیره‌ی حمیری (.... / ... / ...)؛ ابوصیاح (ابوصاح) بن ثابت انصاری (.... / ... / ...)؛ ابوطالب بن عبدالطلب هاشمی (۷۵ قبل بعثت / ۱۰ بعثت)؛ ابوطرفه‌ی کنذی (.... / ... / ...)؛ ابوطریف، مولی عبدالرحمان بن طریف (.... / ... / ...)؛ ابوطریف هذلی (.... / ... / ...)؛ ابوطفیل، شهیل بن عوف (.... / ... / ...)؛ ابوطفیل، عامر بن وائله لیبئ کنانی مکی (.... / ... / ...)؛ ابوطلحه‌ی خزرجی انصاری (.... / ... / ...)؛ ابوطلحه درع الخولانی (.... / ... / ...)؛ ابوطلیق اشجعی (.... / ... / ...)؛ ابوطیبه‌ی حجاج (.... / ... / ...)؛ ابوطیبه، ستوربان رسول الله (.... / ... / ...)؛ ابوطیبه‌ی سلفی کلاعی (.... / ... / ...)؛ ابوعازب (.... / ... / ...)؛ ابوالعاص بن ربیع عبشمی (.... / ... / ...)؛ ابوالعالیه‌ی ریاحی (.... / ... / ...)؛ ابوعامر ۹۰-۹۳-۹۶-۹۸)؛ ابوالعالیه‌ی مزنی (.... / ... / ...)؛ ابوعامر اشعری (.... / ... / ...)؛ ابوعامر اشعری، برادر ابوموسی (.... / ... / ...)؛ ابوعامر اشعری شامی (.... / ... / ...)؛ ابوعامر عبدالملک)؛ ابوعامر انصاری (.... / ... / ...)؛ ابوعامر انصاری فاسق (.... / ... / ...)؛ ابوعامر ۹ یا ۱۰)؛ ابوعامر بن عمرو بن حارث (.... / ... / ...)؛ ابوعامر بی‌نام (.... / ... / ...)؛ ابوعامر ثقفی (.... / ... / ...)؛ ابوعامر سکونی (.... / ... / ...)؛ ابوعامر غیرمنسوب (.... / ... / ...)؛ ابوعامر غیرمنسوب دیگر (.... / ... / ...)؛ ابوعایشه‌ی دیگر (.... / ... / ...)؛ ابوعایشه‌ی غیرمنسوب (.... / ... / ...)؛ ابوعبدالرحمان جهنی (.... / ... / ...)؛ ابوعبدالرحمان، حاضن عایشه (.... / ... / ...)؛ ابوعبدالرحمان خطمی (.... / ... / ...)؛ ابوعبدالرحمان صنایحی (.... / ... / ...)؛ ابوعبدالرحمان فهری (.... / ... / ...)؛ ابوعبدالرحمان قرشی (.... / ... / ...)؛ ابوعبدالرحمان قینی (.... / ... / ...)؛ ابوعبدالرحمان مخزومی (.... / ... / ...)؛ ابوعبدالرحمان مدحجی (.... / ... / ...)؛ ابوعبدالرحمان نخعی (.... / ... / ...)؛ ابوعبدالعزیز انصاری (.... / ... / ...)؛ ابوعبدالله اشعری شامی (.... / ... / ...)؛ ابوعبدالله جدلی (.... / ... / ...)؛ ابوعبدالله خطمی (.... / ... / ...)؛ ابوعبدالله غیرمنسوب (.... / ... / ...)؛ ابوعبدالله قیسی (.... / ... / ...)؛ ابوعبدالله مخزومی (.... / ... / ...)؛ ابوعبد

(.../...): ابوقرعان کندی (.../...): ابوقره، مولی عبدالرحمان (.../...): ابوقره بن معاویه (.../...): ابوقریع (.../...): ابوالقلب (.../...): ابوالقمرء (.../...): ابوقیس بن اسلت بن جشم اوسی (.../...): ابوقیس بن حارث بن قیس قرشی سهمی (.../...): ابوقیس بن شمر کندی (.../...): ابوقیس بن عمرو بن عبْدُوذ (.../...): ابوقیس بن معلی بن لؤذان انصاری (.../...): ابوقیس جهنی (.../حدود ۶۰): ابوالقین اسلمی (.../...): ابوکاهل احمسی (.../۶۷): ابوکاهل دیگر (.../...): ابوکشهی انماری مذحجی (.../...): ابوکشهی، مولی رسول الله (.../۱۳ یا ۲۳): ابوکبیر (.../...): ابوکبیر هذلی (.../...): ابوکثیر، مولی تميم الداری (.../...): ابوکرز (.../...): ابوکعب حارثی (.../...): ابوکعب غیرمنسوب (.../...): ابوکلاب بن ابی صصعه (.../۸): ابوالکنود آزدی کوفی (.../۶۷): ابوکسان غیرمنسوب (.../...): ابوکسان، مولی النبی (.../...): ابولاس خزاعی (.../...): ابولبانهی اسلمی (.../...): ابولبانه بشیر بن عبدالمنذر انصاری (.../۵۰): ابولبانه، مولی رسول الله (.../...): ابولبانهی اشهلّی (.../...): ابولقیط، مولی رسول الله (.../در زمان عمر): ابولیلی اشعری (.../...): ابولیلی انصاری (.../۳۷): ابولیلی خزاعی (.../...): ابولیلی غفاری (.../...): ابومالک اسلمی (.../...): ابومالک اشجعی (.../...): ابومالک اشعری (.../...): ابومالک اشعری، حارث بن حارث (.../...): ابومالک اشعری، کعب بن عاصم (.../۱۸): ابومالک جمعدی (.../...): ابومالک عبیدی (.../...): ابومالک غفاری (.../...): ابومالک غیرمنسوب (.../...): ابومالک قرظلی (.../...): ابومالک نخعی دمشقی (.../...): ابومتوکل (.../...): ابومالک جبری (.../...): ابومحیبهی باهلی (.../...): ابومحجن بن حبیب ثقفی (.../۳۰): ابومحذوره اوس بن معیر - معیر - جمحی (.../۵۹): ابومحرز بکری (.../...): ابومحمد (.../۱۳۲): ابومحمد انصاری (.../...): ابومحمد قفقسی (.../...): ابومحشبی (.../...): ابومحشبی طائی (.../...): ابومحشبی تمیزی (.../...): ابومدینه دارمی سدوسی (.../...): ابومذکور انصاری (.../...): ابومذکور راقی - تومذونیس (.../...): ابومرامز دیگر (.../...): ابومرواح لیثی (.../...): ابومرثد خولانی (.../...): ابومرثد عنوی (۵۴ ق.هـ/۱۲): ابومرحب ناشاخته (.../...): ابومره (.../...): ابومره بن غره بن مسعود ثقفی (.../...): ابومرهی طائفی (.../...): ابومریم جهنی (.../زمان معاویه یا عبدالملک بن مروان): ابومریم حنفی یمامی (.../...): ابومریم خصی (.../...): ابومریم غسانی (.../...): ابومریم فلسطینی آزدی (.../...): ابومریم کندی (.../...): ابومسافع غیرمنسوب (.../...): ابومسعود انصاری (.../بعد از ۴۰): ابومسعود بن مسعود غفاری (.../...): ابومسلم اشعری (.../...): ابومسلم جلیلی (.../...): ابومسلم خزاعی (.../...): ابومسلم خولانی (.../۶۴ یا ۶۴): ابومسلم مرادی (.../...): ابومشجع بن ربیع جهنی (.../...): ابومصباح هرمی (.../...): ابومصرف (.../...): ابومصعب انصاری (.../...): ابومعبد بن حزن بن ابی وهب مخزومی (.../...): ابومعبد خزاعی (.../...): ابومعبد، مولی ابن عباس (.../۱۰۴): ابومعدان (.../...): ابومعقل (.../...): ابومعقل اسدی انصاری (.../...): ابومعلق انصاری (.../...): ابومعلی بن لؤذان انصاری (.../...): ابومعلی سلمی (.../...): ابومعمر اشح (.../۱۱ / ۳۲۷): ابومعمر غیرمنسوب (.../...): ابومعن دیگر (.../...):

(.../...): ابوعبید يسوع (.../...): ابوعبس بن جبرین عمرو اوسی (۲۳ ق بعثت/ ۳۳): ابوعبید بن مسعود ثقفی (.../...): ابوعبید زرقی (.../...): ابوعبید، مولی رسول الله (.../...): ابوعبید، مولی رفاعه (.../...): ابوعبیدهی دبلی (.../...): ابوعبیده، مولی ابی راشد آزدی (.../...): ابوعبیده بن جراح فهری (۳۹ ق.هـ/ ۱۸): ابوعبیده بن عماره بن ولید مخزومی (.../۱۳): ابوعبیده بن عمرو بن محسن نجاری (.../۴): ابوعتاب اشجعی (.../...): ابوعثمان اصبحی (.../...): ابوعثمان بن سنهی خزاعی (.../...): ابوعثمان بن عبدالرحمان بن عوف (.../...): ابوعثمان صنعانی (.../...): ابوعدیسه (.../...): ابوعدبهی خصرمی (.../...): ابوعدرهی جزری (.../...): ابوغرمان محاربی (.../...): ابوغریض (.../...): ابوغزهی هذلی (.../...): ابوغزیز بن عمیر عبّدی (.../...): ابوغسیب، مولی رسول الله (.../...): ابوالعشراء دارمی (.../...): ابوغصیر (.../...): ابوعطیهی بکری (.../...): ابوعطیهی غیرمنسوب (.../...): ابوعطیهی غیرمنسوب دیگر (.../...): ابوعطیهی مزی (.../...): ابوعطیهی وادعی (.../بین سال های ۶۷-۷۲): ابوغفیر (.../...): ابوغقرز بکری (.../...): ابوغفیل احمزی (.../...): ابوغفیل انصاری (.../...): ابوغفیل بلوی (.../۱۲ ق): ابوالعکربن ام شریک (.../...): ابوالغلاء انصاری (.../...): ابوالغلاء، مولی محمد بن عبدالله بن جحش (.../...): ابوعلقمه بن اعور سلمی (.../...): ابوعلقمه بن عبید آزدی (.../...): ابوعلی بن بجیر (.../...): ابوعلی بن عبدالله بن حارث عامری (.../...): ابوعمر انصاری (.../...): ابوعمر بن حباب بن منذر (.../...): ابوعمر بن شمیم عبیدی محاربی (.../...): ابوعمر، مولی عمر بن خطاب (.../...): ابوعمر و انصاری (.../۳): ابوعمر و بن بیدل بن ورقاء خزاعی (.../۳۷): ابوعمر و بن حفص بن مغیرهی مخزومی (.../...): ابوعمر و بن حماس (.../۱۳۹): ابوعمر و بن عدی بن حمراء خزاعی (.../...): ابوعمر و بن کعب بن مسعود (.../...): ابوعمر و بن مویث (.../...): ابوعمر و شبیبانی (.../۹۶): ابوعمر و غیرمنسوب (.../...): ابوعمرهی انصاری (بشر یا بشیر) (.../۳۷): ابوعمره بن سکن انصاری (.../...): ابوعمر بن ابی طلحهی انصاری (.../...): ابوعمرهی آزدی (.../...): ابوعملیه (.../...): ابوعنبهی خولانی (.../۱۱۸): ابوعوسجعهی ضبی کوفی (.../...): ابوعویمر اسلمی (.../...): ابوعتاش زرقی (.../پس از ۴۰ یا ۵۰): ابوعیال هذلی (.../...): ابوالغادیبهی جهنی (.../زنده در ۷۵): ابوغاضبهی قحیمی (.../...): ابوغزوان (.../...): ابوغزوان دیگر (.../...): ابوغزیهی انصاری (.../...): ابوغسیل اعمی (.../...): ابوغلیظ بن امیه بن خلف (.../...): ابوغلیظ سلمه بن حارث (.../...): ابوالعوث بن حصین خثعمی (.../...): ابوقاخته (.../حدود ۹۰): ابوقاطمه (.../...): ابوقالح انماری (.../...): ابوالقحیم بن عمرو (.../...): ابوقفراس اسلمی دیگر (.../...): ابوقفراس نهدی (.../...): ابوقرفد (.../...): ابوقریعهی سلمی (.../...): ابوقضالهی انصاری (.../۳۸): ابوالفیل خزاعی (.../...): ابوالقاسم انصاری (.../...): ابوالقاسم غیرمنسوب (.../...): ابوالقاسم، مولای ابی بکر (.../...): ابوقتادهی سدوسی (.../...): ابوقتادهی عدوی (.../...): ابوقتاده بن ربیع انصاری خزرجی (.../۵۴): ابوقحافه بن عقیف مزی (.../...): ابوقدامهی انصاری (.../صفین): ابوقدامهی غیرمنسوب (.../...): ابوقرد سلمی انصاری (.../...):

ابومعن، صاحب اسکندریه (... بعد از ۱۵۰)؛ ابومعیت جُهَنی (... /... /...);
 ابوالمقشعر انصاری (... /... /...); ابومکت اَسَدی (... /... /...); ابوملح بن عروه بن
 مسعود ثقفی (... /... /...); ابوملح هَدادی (... /... /...); ابوملح هُدلی (... /... /... ۱۱۲؟);
 ابوملیکه‌ی دِماری (... /... /...); ابوملیکه‌ی کندی (... /... /...); ابوملّیل بن اَزَعْر
 ضَبَعی (... /... /...); ابوالمنذر جُهَنی (... /... /...); ابومنذر غیرمنسوب (... /... /...);
 ابومنصور فارسی (... /... /...); ابومنظور غیرمنسوب (... /... /...); ابومنقعه‌ی حَنَفی
 (... /... /...); ابومنقعه‌ی انصاری (... /... /...); ابومنهال غیرمنسوب (... /... /...);
 ابومنیب کلّبی (... /... /...); ابوموسی اشعری (... /... /... ۴۴؟); ابوموسی انصاری (... /... /...);
 ابوموسی حکمی (... /... /...); ابوموسی غافقی (... /... /... ۵۸); ابوموهبینه (... /... /...);
 ابومهاجر غیرمنسوب (... /... /...); ابومهلب جزمی بصری (... /... /...);
 ابومیسره، مولی عباس (... /... /...); ابومؤمل (... /... /...); ابونبغه‌ی قریشی (... /... /...);
 ابوالنجم (... /... /...); ابونجیح عَسَی (... /... /...); ابونجیح قیسسی (... /... /...);
 ابونخیله (... /... /...); ابونخیله‌ی عَکلی (... /... /...); ابونخیله‌ی لَهَبی (... /... /...);
 ابونضیر بن تَبّهان (... /... /... ۳؟); ابونعمان دیگر غیرمنسوب (... /... /...); ابونمر
 کنانی (... /... /...); ابونمله‌ی انصاری (... /... /... ۶۵-۸۵); ابونمله‌ی دیگر (... /... /...);
 ابونئیک انصاری (... /... /...); ابونیزر (... /... /...); ابووائله‌ی هُدلی (... /... /...); ابوواقد
 (... /... /...); ابوواقد لیثی، حارث بن عوف کنانی (... /... /... ۶۸); ابوواقد، مولی النبی
 (... /... /...); ابوواقد نمیری (... /... /...); ابووزّه‌ی سعدی (... /... /...); ابووزح
 انصاری (... /... /...); ابووداعه‌ی سهمی (... /... /...); ابوودیعّه (... /... /...); ابوودیعّه‌ی
 غیرمنسوب (... /... /...); ابوالورد بن قیس مازنی انصاری (... /... /...); ابوالورد
 غیرمنسوب (... /... /...); ابوالوصل (... /... /...); ابوالوقاص (... /... /...); ابوهوب
 انصاری (... /... /...); ابوهوب جَشَمی (... /... /...); ابوهوب جیشانی (... /... /...);
 ابوهاشم بن عتبّه بن ربیعّه عَشَمی (... /... /...); ابوهاشم بن مسعود بن سنان
 مَزَی (... /... /...); ابوهاشم بن نافع، عمر (... /... /...); ابوهاشم، مولی رسول الله
 (... /... /...); ابوهانی، جدّ عبدالرحمان بن ابی مالک (... /... /...); ابوهبیره‌ی انصاری
 غیرمنسوب (... /... /...); ابوهدهم بن خَضرمی (... /... /...); ابوهدهم‌ی انصاری (... /... /...);
 ابوهذیل غیرمنسوب (... /... /...); ابوهزیره (۲۰ قبل از هجرت / ۵۹):
 ابوهلال کلّبی (... /... /...); ابوهند اشجعی والد نعیم بن ابی هند (... /... /...); ابوهند
 انصاری نیاضی (... /... /...); ابوهند بَجَلی (... /... /...); ابوهند حَجّام (... /... /...);
 ابوهند داری (... /... /...); ابوهند، مولی رسول الله (... /... /...); ابوالهَیثم (... /... /...);
 ابوالهَیثم بن تَبّهان اُوسی (... /... /... ۳۷); ابوالهَیثم بن عتبّه‌ی هاشمی (... /... /...);
 ابوالهَیثم دیگر (... /... /...); ابویحیی انصاری (... /... /...); ابویحیی غیرمنسوب

(... /... /...); ابویزید بن عمرو جُدّامی (... /... /...); ابویزید کرخی (... /... /...); ابویزید
 لَقِیطی (... /... /...); ابوالیسح (... /... /...); ابوالیقظان غیرمنسوب (... /... /...); ابوالیمان،
 بشر یا بشیر بن عقرَبه (... /... /... پس از ۸۵).

پس از مدخل پیامبر، مدخل‌های ابوبکر بن ابی فحافه و ابوطالب بلندترین
 مدخل‌های کتاب‌اند و از این رو، بیان نکاتی درباره‌ی این دو بایسته
 می‌نماید. مدخل ابوبکر - نوشته‌ی حسین حسینیان مقدم - به عناوین
 و مضامین ذیل پرداخته است: صفات ابوبکر، ابوبکر در عصر جاهلی،
 مکه، اسلام و حوادث، مدینه، هجرت و حوادث، غزوات و سرایا (بدر)،
 احد، بنونضیر، بدرالمعد، بنومصطلق، خندق، بنوقریظه، حدیبیه، خیبر،
 فتح مکه، حُنین، تبوک، امبری حج، حجه‌الوداع، ابوبکر و بیماری
 رسول خدا، سقیفه و بیعت، مستندات مشروعیت خلافت ابوبکر، اقدامات
 ابوبکر (هجوم به خانه‌ی فاطمه، فرستادن سپاه اسامه، نبرد با مرتدان)،
 فتوحات، اقدامات مالی، جمع‌آوری قرآن، سرپرستی حاجیان، وصیت و
 مرگ ابوبکر، آثار ابوبکر (روایات، فرزندان، همسران، و موالی). شاخص
 توصیفی برجسته در این مدخل را اگر نتوان نوعی مثال‌نگاری شیعی
 خواند، توصیفی بی‌طرفانه نیز نمی‌توان یافت، چنان‌که در پاره‌ای مناقب و
 فضائل محرز وی تردید شده یا لحن گفتار به نوعی بوده که این فضائل
 را کمتر نمایان سازد. برای نمونه‌هایی چند؛ در صفحه‌ی ۱۵۸ به گفته‌ی
 شععی آمده که «ابوبکر و عمر شاعر بودند... ولی عایشه برای تنزیه
 پدرش از شراب‌نوشی در مدینه، اصرار داشت ابوبکر نه شاعر بود و نه شعر
 می‌دانست!»، همراهی ابوبکر با پیامبر در غار ثور به زبانی بیان شده که
 در همسانی با نقلی از شیخ مفید، آن را به ذمّ ابوبکر تعبیر کرده است (ص
 ۱۶۱). یا درباره‌ی حضور وی در غزوات آمده که «نقش ابوبکر و عمر در
 نبردها، جز در مواردی که از نبرد گریخته‌اند، نظاره‌گری بود، ... نه نقشی
 ایفا کردند و نه کمترین رأی و اندیشه‌ای ارائه دادند» (ص ۱۶۲)، چنان‌که
 «ترس، عدم تدبیر نظامی، و مقاوم نبودن ابوبکر در نبرد [بدر] سبب شد
 رسول خدا وی را در عریشی نزد خود نگه دارد» (ص ۱۶۳)، در حالی که
 در صفحات بعد از فرماندهی ابوبکر در سریه‌ی ضربه‌ی علیه بنو کلاب (ص
 ۱۶۷) و جانشینی پیامبر در غزوه‌ی تبوک (ص ۱۶۹) سخن به میان آمده
 است. مدخل ابوطالب اما به عناوین ذیل پرداخته است: کودکی و جوانی،
 ریاست بنی‌هاشم، سرپرستی پیامبر، حمایت از پیامبر و مسلمانان، ایمان
 ابوطالب (گزارش‌های موافق، گزارش‌های مخالف)، ابوطالب در خاطره‌ی

نویسنده کوشیده است تا از رهگذر نقد درونی منابع،
 درستی و نادرستی داده‌ها را بیازماید و حتی برخی
 مشهورات و مسلمات سیره را در محک بازآزمایی قرار دهد،
 برای نمونه‌هایی چند؛ به برساخته بودن پیشینه‌ی روایات
 مربوط به اتفاقات هنگام ولادت پیامبر - که اغلب در آثار
 دلائل النبوه نقل شده‌اند - تأکید شده است

عمده تلاش نویسندگان مدخل‌ها بر آن بوده که داده‌های منابع گوناگون را با رویکردی بیش و کم نقادانه برابر هم نهاده و صحابی بودن فرد را مورد واکاوی قرار دهند

سیره نبوی

از آن‌ها افزون بر ناهمسازی، ناهمخوان‌اند، برای مثال: محتوای مدخل ابوخیبه‌ی نُمیری صرفاً بیان آن است که ذهبی وی را صحابی دانسته و ابن حجر آن را رد کرده (ص ۲۵۶)، در مدخل ابومُکبتِ اَسَدی آمده که ابن حجر او را در «توهّمات» آورده و عسکری در شمار صحابه (صص ۵۲۷-۵۲۸)، مدخل ابومالک اشجعی صرفاً بیان می‌کند که ابن سعد او را صحابی دانسته و ابن عبدالبر، تابعی (ص ۴۹۲)، مدخل ابومعمر اشیح (ص ۱۱) /؟ (ص ۳۱۷)، چندین خبر را در کنار هم قرار داده: ذهبی صحابی بودن وی را کذب دانسته، ابن حجر در توهّمات از او یاد کرده و در ادامه، داستانی نقل شده که او در راه پیوستن به سپاه امام در صفین از آب حیات می‌خورد و سیصد سال حیات می‌یابد (ص ۵۲۵)، و سرانجام، مدخل ابوکبیر، گردآبی بارزی از داده‌های ناهمخوان است: ابن حجر در بخش توهّمات از او یاد کرده، ابن اثیر و ابن حجر و ابن منده او را تابعی دانسته‌اند، و عسکری گفته که او در زمان پیامبر کودک بوده است (ص ۴۸۳).

دانشنامه، مجموعه‌ای حدیثی - رجالی است و چنان‌که اصول نگارش مدخل‌ها در سرآغاز کتاب بر آن تصریح دارد، در معرفی صحابه روایات منقول از آنان را مورد بحث و بررسی قرار داده است. آنچه از این نظر درباره‌ی محتوای مدخل‌ها گفتنی می‌نماید: پرداخت گاه مبسوط و محدود به روایات و احادیث مربوط است، برای نمونه‌هایی چند: بخش عمده‌ی مدخل ابوامیمه‌ی جُشمی، بازگویی و بررسی روایات و اسناد و طرق آن است (صص ۱۲۷-۱۲۸)؛ کل مدخل ابوامیه‌ی تغلیبی، راوی اول حدیث «لا یس علی المسلمین عُشور...» را جستجو می‌کند (ص ۱۲۸)؛ نیمی از مدخل ابوامیه‌ی مخزومی ذکر و تحلیل روایتی درباره‌ی اعتراف به سرقت و حدّ سارق است (صص ۱۳۰-۱۳۱)؛ کل مدخل ابوجاریبه‌ی انصاری، طرق روایت نزول قرآن بر هفت گونه (علی سبعة احرف) را بررسی می‌کند (صص ۱۹۵-۱۹۶)؛ بیشینه‌ی محتوای مدخل ابوثابت کوفی، بررسی مفصل حدیثی درباره‌ی غضب زمین در هفت طریق است (ص ۲۰۱)؛ مدخل ابومعقل، پی‌جویی شناخت راوی حدیثی منقول از اوست تا درباره‌ی خود وی (ص ۵۲۳)؛ و مدخل ابوالعالیه‌ی مُزنی، تنها حدیثی به نقل از او توسط طبرانی آورده و هیچ داده‌ی خاصی درباره‌ی او به دست نمی‌دهد (ص ۴۱۲).

دیگر نکته‌ی گزنتی، اطّاب و تفصیلی است که شاید به اقتضای ماهیت رجالی اثر، اغلب درباره‌ی نام و نسب افراد و تصحیف‌ها و تحریف‌های

پیامبر، احادیث ابوطالب، شعر، زمان مرگ، نسل و خاندان، و نوشته‌ها درباره‌ی ابوطالب، آنچه درباره‌ی مدخل گفتنی است اطّاب آن و تکرار برخی داده‌ها، و نیز تبعیت کامل مدخل از نظر گاه‌های کلامی شیعی (به‌ویژه در بخش ایمان ابوطالب) است.

کتاب از ۷۳۳ مدخل تشکیل یافته و اسامی نویسندگان آن‌ها از قرار زیر است: حجت‌الاسلام قاسم خانجانی (۱۵۹ مدخل)؛ حجت‌الاسلام محمدرضا هدایت‌پناه (۱۱۶ مدخل)؛ حجت‌الاسلام رمضان محمدی (۹۳ مدخل)؛ دکتر منصور داداش‌نژاد (۸۸ مدخل)؛ حجت‌الاسلام حسین مرادی‌نسب (۸۵ مدخل)؛ حجت‌الاسلام حسین حسینیان مقدم (۷۱ مدخل)؛ حجت‌الاسلام محمود حیدری آقایی (۳۹ مدخل)؛ مصطفی صادقی (۲۹ مدخل)؛ سیدمحمود سامانی (۲۷ مدخل)؛ رسول قلیچ (۱۱ مدخل)؛ ناهید طیّبی (۷ مدخل)؛ حجت‌الاسلام رسول جعفریان (۴ مدخل)؛ و دکتر محمدکاظم رحمتی (۱ مدخل).

به‌عنوان ملاحظه‌ای درباره‌ی شکل مدخل‌ها و از نقطه‌نظری آماری، از ۷۳۳ مدخل و مقاله‌ی کتاب حاضر، درازای ۱۳۹ مدخل کمتر از ده خط است که از این شمار، ۴۷ مدخل کمتر از ۵ سطر دارند و مدخل‌های ابوریعه (ص ۲۹۲) و ابوعبدالرحمان نخعی (ص ۴۲۵) تنها دو سطر است. در مقابل، مدخل پیامبر، بلندترین مدخل کتاب است (۵۰ صفحه) و بلندترین مدخل‌ها پس از آن عبارت‌اند از: ابوبکر بن ابی‌فحافه (۲۷ صفحه)؛ ابوطالب بن عبدالمطلب هاشمی (۱۶ صفحه)؛ ابوسفیان، صخر بن حرب بن امیه (۷ صفحه)؛ ابوبکره‌ی ثقفی (۶ صفحه)؛ ابودر غفاری (۵ صفحه)؛ ابوموسی اشعری (۵ صفحه)؛ ابوجهم بن خدیفه‌ی عدوی (۴ صفحه)؛ ابونزه‌ی اسلمی (۴ صفحه)؛ ابویوب انصاری (۳/۵ صفحه)؛ ابوهزیره (۳/۵ صفحه)؛ ابولبابه‌ی انصاری (۳/۵ صفحه)؛ ابومسعود انصاری (۳ صفحه).

در واقع، عمده تلاش نویسندگان مدخل‌ها بر آن بوده که داده‌های منابع گوناگون را با رویکردی بیش و کم نقادانه برابر هم نهاده و صحابی بودن فرد را مورد واکاوی قرار دهند، برای نمونه، صحابی بودن ابوخداش، با نقد اقوال ذهبی و ابونعیم و ابن اثیر، رد شده (ص ۲۵۹)، همچنان‌که این رأی دست‌کم درباره‌ی صحابی بودن ابوالاخرم (ص ۱۱۱) و ابومضمّم (صص ۳۸۴-۳۸۵) نیز اعمال شده است. با این حال، گاه مدخل‌ها انبوهی از داده‌های گوناگون را در کنار هم آورده‌اند که در این میان، شماری

مربوط اعمال شده و گاه حجم عمده‌ی مدخل‌ها را اشغال کرده است، برای نمونه: در مدخل‌های ابوامیثه‌ی دوسی (ص ۱۲۹)، ابواناس بن زَئیم دُئلی کنانی (صص ۱۳۱-۱۳۲)، ابوبرده بن نیار انصاری (صص ۱۴۴-۱۴۵)، ابونشیر انصاری ساعدی (صص ۱۵۲-۱۵۳)، ابومُکبت اسدی (صص ۵۲۷-۵۲۸) دست کم نیمی از محتوا اقوال مختلف و گاه معارض هم را گرد آورده، که چنین امری تقریباً درباره‌ی کلیت محتوای مدخل‌های ابویوب ازدی (ص ۱۲۴)، ابونصیره‌ی یشکری (ص ۱۵۶)، ابوسعید بن ابی‌فضاله‌ی حارثی انصاری (ص ۳۳۵)، ابوسُود تمیمی غُدانی (ص ۳۶۵)، و ابو عبید یسوع (ص ۴۲۹) صادق است.

اما اساسی‌ترین مسئله‌ی دانشنامه را بایست در روش و مفاهیم آن دانست؛ آیا صحابه‌نگاری طرح قرار است فرهنگی رجالی - حدیثی - کلامی - تاریخی باشد؟ و آیا آنچه کتاب آن را «جامعیت» می‌خواند، در آمیختن این گونه‌های گوناگون است؟ کتاب در این زمینه، خاموش است و جایگاه و محدوده‌ی خود را در میان آثار قدیم و جدید این حوزه روشن نمی‌سازد. همچنین دانسته نیست طرح حاضر چه نسبتی با سه‌گانه‌ی الاستیعاب، اسدالغابه، الاصابه دارد؛ پیشینه‌ی تحقیق و نوشته‌های پیشینی به روشنی و روشمند معرفی و نقد نشده‌اند. فرد می‌تواند با مطالعه‌ی دقیق کتاب حاضر، اثرگیری آن را از سه‌گانه‌ی پیش گفته - به‌ویژه الاصابه‌ی ابن حجر - دریابد و الگوگیری‌های پیدای آن را بشناسد. ۲۲ مدخل کتاب تنها از الاصابه بهره گرفته‌اند: ابوبرده بن سعد بن حِزابه‌ی مخزومی (ص ۱۴۳)؛ ابویشر خُتمی (ص ۱۵۲)؛ ابوسُجیف بن قیس بن حارث (ص ۳۳۰)؛ ابوشریح مصری (ص ۳۷۳)؛ ابوصفوان یا ابن صفوان (ص ۳۸۳)؛ ابوطُفیل، سُهیل بن عوف (ص ۴۰۲)؛ ابوغذیسه (ص ۴۷۳)؛ ابوعصیر (ص ۴۴۳)؛ ابوعمر بن شیبم عبدی مُحاربی (ص ۴۵۸)؛ ابوقتاده‌ی سُدوسی (ص ۴۷۲)؛ ابوقرآن کندی (ص ۴۷۵)؛ ابوالقلب (ص ۴۷۶)؛ ابوقیس بن شمر کندی (ص ۴۷۸)؛ ابومالک جعدی (ص ۴۹۵)؛ ابومُخثَبی (ص ۵۰۵)؛ ابومُسلِم اشعری (ص ۵۱۸)؛ ابومصیب هرمی (ص ۵۲۱)؛ ابومنهال غیرمنسوب (ص ۵۳۳)؛ ابووافد (ص ۵۴۸)؛ ابوهدمه‌ی انصاری (ص ۵۵۷)؛ ابوالهثیم (ص ۵۶۴)؛ ابویحیی غیرمنسوب (ص ۵۶۸). از این روی، دوباره می‌توان پرسید که صحابه‌نگاری دانشنامه، چه افزوده‌ی تازه‌ای در این زمینه صورت داده است؟ اگر گردآوری انبوه داده‌های گوناگون و گاه ناهمسان و ناهمخوان در کنار همدیگر و آمیختن و سنجدین آن‌ها با نظرگاه‌های کلامی شیعی، بر تمامی کتاب صادق نباشد، بر پیشینه‌ی آن چنین است. راست آن است که کم‌جانی دانشنامه از حیث روشمندی و تعریف مفاهیم چنان است که حتی مفهوم خود صحابه را نیز دربر می‌گیرد؛ با وجود تعریف چهارگانه‌ی (لغوی - عرفی - حدیثی - جامع) صحابه در پیش درآمد کتاب، صراحتی در تعریف مورد نظر در میان نیست. با این حال، با خوانش دقیق تمامی مدخل‌ها می‌توان دریافت که به‌رغم پیروی کلی از هر چهار تعریف، مبنای بسیاری از مدخل‌ها بر نگاه لغوی استوار بوده است. برای مثال، مدخل ابوعامر انصاری (صص ۴۱۵-۴۱۷)، که به استناد محتوای مدخل، فاسق و خصم پیامبر بود و کافر درگذشت، صرفاً با نگاهی لغوی قابل

تبیین است، نگاهی که به بیان خود کتاب؛ «تعریفی افراطی از این واژه [صحابه] است... و تعریفی ناقص است» (ص ۱). با این همه، برخی دیگر از صحابه را نمی‌توان در هیچ یک از این تعاریف یافت، برای نمونه: آدم بن ربیع که پیش از بعثت کشته شده و پیامبر در حجه‌الوداع تنها در یادِ او خون ریخته شده در جاهلیت را باطل خوانده (ص ۹۰)، یا ابوعیال هُدلی که از شمار شاعران مُخضرم است و در خلافت عمر اسلام آورده و پیامبر را ندیده است (ص ۴۶۱). می‌توان در اینجا دیگر ضعف مفهومی کار را حتی نسبت به آثار پیشینی صحابه‌نگاری دریافت که همانا طبقه‌بندی صحابه است. دانسته نیست که چرا با وجود اثرگیری سترگ کتاب از کار ابن حجر، نسبت به تقسیم‌بندی صحابه خودداری شده است؛ امری که به آشفتگی نسبی مدخل‌ها انجامیده، به‌ویژه هنگامی که مدخل‌ها صراحتی در چندچون صحابی بودن فرد ندارند و به آوردن داده‌های انبوه و گاه تطبیق و تنقید آن‌ها بسنده شده است. شاهد مدعا آنکه از ۷۳۱ تن صحابی که به‌عنوان صحابی معرفی شده‌اند، برپایه‌ی محتوای خود مدخل‌ها، ۲۹ تن به‌یقین تابعی‌اند، صحابی بودن دست‌کم ۵۷ تن محل اختلاف است، و دست‌کم ۷۴ نفر صحابی نیستند؛ بدین سان، تقسیم‌بندی صحابه می‌توانست در روشن‌سازی و ساده‌سازی شناخت صحابه سودمند و کارگر باشد. در وجهی دیگر و از نظرگاهی معنایی، محتوای برخی مدخل‌ها بی‌مایه و بی‌بهره می‌نماید، برای نمونه، وقتی تنها داده‌ی مدخل ابویحیی غیرمنسوب به ما می‌گوید که «زبان او چون زبان آهو، سیاه بود» (ص ۵۶۸)، یا در مدخل ابوزبطه، روایتی از پیامبر نقل می‌شود که «لیسیدن کاسه‌ی [غذا] برایم محبوب‌تر از صدقه دادن طعام به اندازه‌ی آن است» (ص ۳۰۷). این گونه گردآوری تمامی داده‌هایی که درباره‌ی فرد آمده، نه نشان از «تحقیقی» مسئله‌دار و هدفمند، که دست‌کم گویای «تبعی» خام‌اندیشانه است. صحابه‌نگاری دانشنامه با وجود بهره‌گیری نسبی از برخی داده‌های رخدانگاشتی در پاره‌ای از مدخل‌ها - خاصه در موارد پیامبر، ابوبکر، ابوسفیان، ابوجهم بن حذیفه‌ی عدوی - هرگز اثری تاریخی نیست و از هرگونه نگره‌ی نوین تاریخ‌نگاری خالی است. به‌رغم تأکید آغازین کتاب بر دوری از پیش‌داوری و ارزش‌گذاری، داده‌های تاریخی اغلب آنجا به کار گرفته می‌شود که پای داوران و پیش‌داوری‌های کلامی در میان است؛ پیشینه‌ی مدخل‌های ابوبکر و ابوطالب شواهد این امرند. در چنین زمینه‌ای، مقاله‌ی «خاورشناسان و مطالعات سیره»، جزیره‌ای مجزاست که بسا کارکرد زیباسازی کتاب را به دوش داشته، چه در هیچ یک از مدخل‌ها بهره‌ای از این دست مطالعات بیرونی نمی‌شود؛ امری که می‌توانست یاری‌گر نوسازی و بهسازی این حوزه باشد.

سرانجام، نبود فهرست و نمایه، کاستی آشکار کتاب است که خواننده را در یافت و خوانش آسان کتاب، در میان انبوه داده‌ها رها می‌سازد.

پی‌نوشت